

رضا نوری شادمهانی<sup>۱</sup>

## مسجد جامع سمرقند از نگاه کمال‌الدین بهزاد

در میان نگاره‌هایی که حاصل اندیشه و قلم کمال‌الدین بهزاد یا منسوب به اوست، نگاره ساختن مسجد جامع سمرقند، که تصویر قسمتی از *ظفرنامه یزدی* است، از برخی جهات اهمیت بسیار دارد (ت ۱). تحلیل این نگاره ممکن است نتایج قابل تأملی داشته باشد؛ چرا که اولاً، بهزاد این نگاره و دیگر نگاره‌های نسخه *ظفرنامه* را هجده سال پس از کتابت نسخه به دست شیرعلی خوشنویس کشیده است؛ ثانیاً، از معدود نگاره‌هایی است که صحنه‌هایی زنده و پرتحرک از فعالیت معماری عصر تیموری فراروی متخصصان و پژوهشگران معماری اسلامی قرار می‌دهد؛<sup>۲</sup> ثالثاً، قسمتهایی از قدیم‌ترین بنای واقعی و همچنان پایرجای تیموری را تصویر کرده است.

در این نوشتار، می‌کوشیم واقع‌گرایی بهزاد یا تأثر او از بناهای واقعی پیرامونش را در آفرینش نگاره مسجد جامع سمرقند (ت ۱) بررسی کنیم. خوش‌بختانه پایرجا بودن بخشهایی از مسجد جامع (یا مسجد بی‌بی‌خانم) سمرقند و نیز وجود متن *ظفرنامه*، که در صفحاتی از آن شرف‌الدین علی یزدی به تشریح عملیات ساختمانی این مسجد پرداخته،<sup>۳</sup> ما را در رسیدن به این مهم یاری می‌کند. اهمیت آشکار شدن واقع‌گرایی بهزاد را هنگامی بیشتر درمی‌یابیم که بدانیم این سه اثر—یعنی بنای مسجد سمرقند و *ظفرنامه تیموری* و نگاره ساختن جامع سمرقند در *ظفرنامه تیموری*—در سالهای مختلفی پدید آمده است: مسجد جامع سمرقند را در سال ۸۰۶ق به دستور تیمور ساختند؛<sup>۴</sup> نسخه مورد نظر از *ظفرنامه تیموری* را در سال ۸۷۲ق شیرعلی برای کتابخانه سلطان حسین بایقرا استنساخ کرد؛ نگاره مورد بحث را احتمالاً بهزاد در سال ۸۹۰ق مصور کرد.<sup>۵</sup> با در نظر گرفتن این اختلاف زمانی، احتمالاتی در خصوص آفرینش مسجد به دست بهزاد مطرح می‌شود:

۱. بهزاد به منظور تصویر کردن این بنا، به سمرقند سفر کرده، مسجد جامع این شهر را از نزدیک مشاهده و سپس آن را عیناً روی برگ نسخه *ظفرنامه* پیاده کرده است.

در نسخه‌ای از *ظفرنامه تیموری* شرف‌الدین علی یزدی که در اواخر قرن نهم هجری کتابت شده، نگاره‌ای درباره ساختن مسجد جامع (مسجد بی‌بی‌خانم) سمرقند هست که به ظن قوی اثر کمال‌الدین بهزاد است. در این مقاله، می‌کوشیم با مقایسه مشخصات مسجدی که در نگاره تصویر شده با شواهدی دیگر درباره این مسجد—یعنی بقایای این مسجد، گزارش حفاریهای باستان‌شناسی و گزارشی که در متن *ظفرنامه* آمده—میزان تقید بهزاد به واقعیت این مسجد و سایر عوامل مؤثر در شکل‌گیری این نگاره را بررسی کنیم. بدین منظور، سه عامل مهم ویزگیهای نسخه خطی *ظفرنامه* (از دو جنبه محتوا و ساختار)، تأثیر بنای مسجد سمرقند یا بناهای اطراف بهزاد و استفاده از قوه تخیل او تحلیل شده است. به علت فاصله زمانی ۸۲ ساله بین زمان ساخت مسجد جامع سمرقند و زمان مصور کردن این نگاره، با قاطعیت نمی‌توان بنای تصویر شده در نگاره را دقیقاً مطابق مسجد واقعی شمرد؛ اما به یقین می‌توان گفت که همه عناصر ساختاری و تزئینی این مسجد در بناهای واقعی دوره تیموری، به‌ویژه در بناهای هرات زمانه بهزاد، نظایری دارد. با توجه به این موضوع و نیز اینکه کمال‌الدین بهزاد در خلق این مسجد از قوه تخیل خود کمترین بهره را برده است، این نگاره را می‌توان مدرک معتبری در پرداختن به موضوعاتی از این قبیل دانست: چگونگی عمل استادان معمار و تزئین‌کار؛ ترتیب مراحل ساختمان و تزئین آن؛ شناخت برخی ابزارهای بنایی، شناخت تخصصها و مراتب شغلی افرادی که در امر احداث بنا و تزئین آن مشارکت داشته‌اند. با تأمل در چنین اسنادی و با بررسیهای بینامتنی، شاید بتوان کمبود رساله‌های تشریحی درباره معماری گذشته ایران را تا حدودی جبران کرد.



ت ۱. کمال‌الدین بهزاد،  
ساختن مسجد جامع  
سمرقند، دو صفحه  
روبه‌رو، نسخه ظفرنامه  
تیموری، ۱۸۹۰ق.  
مأخذ تصویر:  
Bahari, Bihzad,  
pp. 78-79.

با نقشه مسجد جامع سمرقند - که راشیا، باستان‌شناس این مسجد، بازسازی کرده است - مقایسه کنیم، نظیر هریک از آنها را در این نقشه خواهیم دید. اما اگر فضاهای مذکور را با یکدیگر ترکیب و سپس با نقشه مسجد مقابله کنیم، انطباق و هم‌خوانی کاملی میان آنها نمی‌یابیم (ت ۳). آیا این اختلاف را باید ناشی از دخل و تصرف بهزاد دانست؛ یا باید در صحت نقشه راشیا به دیده تردید نگریست؟ به باور نویسنده، چون شیرعلی در زمان کتابت این نسخه شش صفحه دوتایی را برای مصور کردن بخشهایی از متن، که ساختن مسجد جامع سمرقند یکی از آنهاست، بدون نوشته رها کرده بوده،<sup>۶</sup> بهزاد ناگزیر شده ساختار یکپارچه مسجد را دوباره کند و هریک از آنها را درون یک صفحه از نسخه به نمایش در آورد - یعنی شبستان و ایوان ورودی در یک صفحه (صفحه سمت چپ نسخه)، ایوان مقصوره و یک رواق و دیوارها و برج در صفحه مقابل (صفحه سمت راست نسخه) (ت ۱).

۲. بهزاد از بناهای زمان خود، به‌ویژه در هرات، اثر پذیرفته و عناصر ساختاری و تزییناتی آنها را در نگاره خود مصور کرده است.

۳. نسخه ظفرنامه از دو جنبه محتوایی و ساختاری اساس کار بهزاد قرار گرفته است.

۴. بهزاد با تلفیق هوشمندانه سه مورد پیش‌گفته، بنای مطلوب خود را خلق کرده است.

۵. بهزاد یکسره از تخیل خود برای نقش کردن این بنا یاری گرفته است.

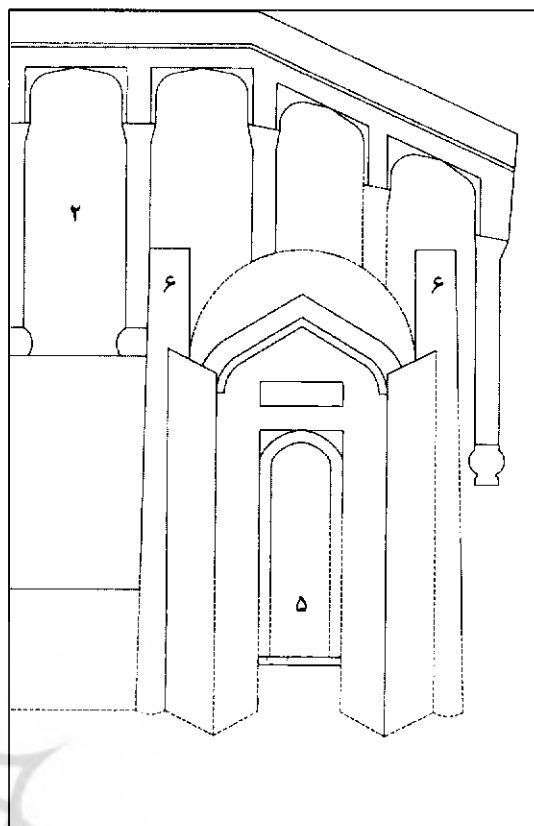
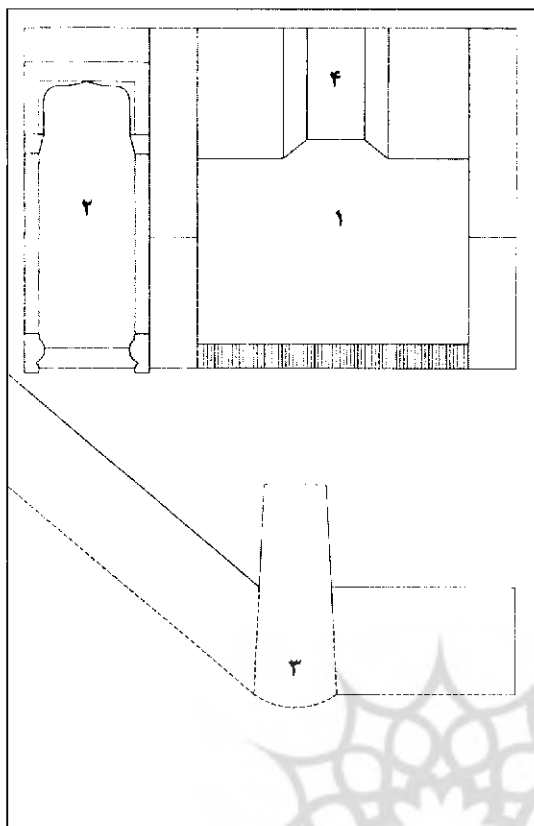
پر روشن است که بی‌توجهی به احتمالات مذکور ارزیابی ما را از کار کمال‌الدین بهزاد عقیم خواهد گذاشت. از این رو، در این نوشتار تأثیر هر یک از آنها و میزان این تأثیر را بررسی می‌کنیم.

## ویژگیهای معماری مسجد جامع سمرقند:

### ساختار بنا و تزیینات آن

در این نگاره دو صفحه‌ای، فضاهای مسجد، مانند سردر، شبستان، ایوان مقصوره و گنبدخانه، تصویر شده است. چنانچه هریک از این فضاها را جداگانه

ت ۲. طرح مسجد  
برگرفته از نگاره  
ساختن مسجد جامع  
سمرقند. (از نویسنده).  
۱) ایوان مقصوره  
۲) دهانه شبستان  
۳) دیوار و برج  
۴) محراب  
۵) سردر  
۶) مناره



می‌شود؛ در حالی که در این نگاره، از مناره اثری نیست (ت ۳ و ۴ و ۵ و ۱).

آیا به نقش درنیامدن مناره‌ها را می‌توان دلیلی بر غیرواقعی بودن نگاره دانست و نتیجه گرفت که بهزاد بی‌آنکه مسجد جامع تیمور را از نزدیک دیده باشد دست به خلق این نگاره زده است؛ یا باید محدودیت صفحه نقاشی را عامل اصلی دانست؟ به عقیده نویسنده، برای یافتن پاسخی منطقی برای هر یک از این دو سؤال، باید همه اجزا و عناصر ساختمانی منقوش را با نقشه راشیا و نیز بقایای بنای مسجد مطابقت کرد؛ زیرا با تحلیل فقط یک عنصر ساختمانی از مجموعه‌ای، نمی‌توان نتیجه را به همه آن مجموعه تعمیم داد.

#### آزاره‌های ایوان

در نگاره، تنها بخش مزین ایوان مقصوره آزاره‌های مرمری آن است که منقوش به نقوش گل و گیاه است (ت ۱). در این نگاره، استادکاران سنگ‌تراشی را می‌بینیم که در حال تراشیدن سنگ و نقش کردن طرحهای گیاهی بر روی آنهایند (ت ۱).

پس می‌توان گفت که اختلاف نگاره بهزاد و نقشه مسجد، بیش از آنکه از دخل و تصرف بهزاد در ساختار مسجد ناشی شده باشد، حاصل ساختار نسخه کتابت شده به دست شیرعلی است.

#### ۱. ایوان مقصوره

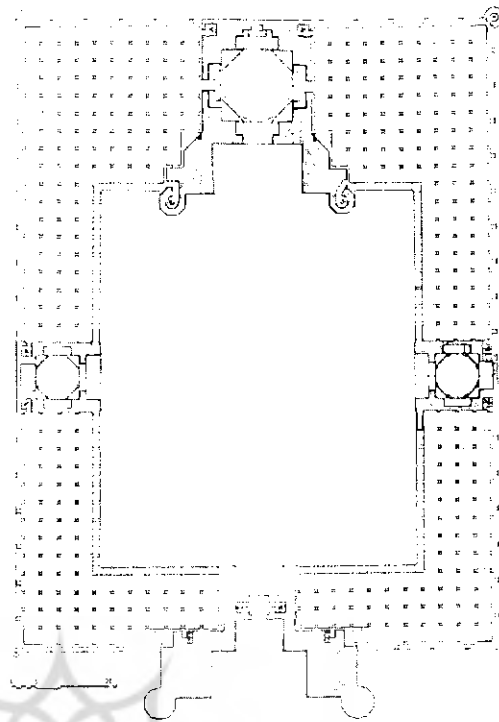
در انتهای صفحه سمت چپ نگاره، سه فضا دیده می‌شود: ایوان، گنبدخانه‌ای با فرورفتگی‌ای در ضلع انتهایی‌اش؛ و یک رواق (ت ۱). در این جا فرورفتگی ضلع انتهایی گنبدخانه نقش بسیار مهمی دارد. شاید مقصود بهزاد از این فرورفتگی محراب بوده باشد. با توجه به اینکه در نقشه راشیا یک محراب بیشتر دیده نمی‌شود که آن هم در انتهای گنبدخانه است، در نگاره بهزاد باید فضای جلو محراب را گنبدخانه و ایوان جلو گنبدخانه را ایوان مقصوره محسوب کنیم (ت ۳ و ۲). اما نکته قابل تأمل در این مورد این است که هم در نقشه راشیا و هم در بقایای مسجد، در دو جانب ایوان مقصوره و درست چسبیده به آن مناره‌هایی دیده

متأسفانه یزدی درباره چگونگی کار سنگ تراشان و نوع تزیینات بنا هیچ اطلاعاتی در اختیار نمی‌گذارد و آیندگان را از مدرکی سودمند در این زمینه محروم می‌سازد. او در کتاب خود، فقط به موطن سنگ تراشان اشاره می‌کند.<sup>۷</sup> البته شاید بتوان نفوذ هنر سنگ تراشان آذربایجان و فارس و هندوستان را بر سنگهای تراشیده مسجد تصویر شده در این نگاره یادآور شد. «کاربرد زیاد سنگ در بنای مسجد را نتیجه نفوذ معماری هند دانسته‌اند؛ لیکن این نفوذ را می‌توان از ناحیه آذربایجان دانست.»<sup>۸</sup>

چون بخشهای بسیاری از ساختار و تزیینات مسجد از میان رفته است، مقایسه سنگهای ازاره ایوان منقوش در نگاره با بقایای بنای مسجد بسیار دشوار است. اما با رجوع به برخی منابع مکتوب دوره تیموری و همچنین بناهای عصر بهزاد، می‌توان این خلأ را از بین برد و نتیجه گرفت که بهزاد در ترسیم این قسمت نگاره از نمونه‌های واقعی هم‌عصر خویش تأثیر پذیرفته است. زمجی اسفزاری در *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، که هفت سال پس از نقاشی این نگاره نوشته شده،<sup>۹</sup> و خواندمیر در *خلاصه الاخبار فی احوال الانبیاء*<sup>۱۰</sup>، به سنگ و کاربرد آن در ازاره بناهای این عصر اشاره کرده‌اند. در بناهای بازمانده از این دوره، چون گور امیر در سمرقند، مقبره خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات، مناره‌های مسجد جامع گوهرشاد و زیارتگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان، از سنگ در ازاره استفاده شده است.<sup>۱۱</sup>

## ۲. تک‌دهانه شبستان

بهزاد در صفحه سمت چپ نگاره، در کنار ایوان، تک‌دهانه‌ای را با دو سرستون در طرفین آن تصویر کرده است. گلمبک و ویلبر در کتاب خود، این عنصر را، به خطا، درگاه (سردر) خوانده‌اند.<sup>۱۲</sup> به اعتقاد نویسنده، این اشتباه از آنجا ناشی شده است که آنان دو صفحه نگاره را مجزا از هم تحلیل کرده‌اند؛ در حالی که این دو صفحه مکمل یکدیگرند. اگر با این



ت ۳. پلان مسجد سمرقند، مأخذ تصویر: گلمبک و ویلبر، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۹۴۷.

ت ۴. مناره‌های ایوان مقصوده مسجد جامع سمرقند، مأخذ تصویر: هیل و گرابار، معماری و تزیینات اسلامی، ص ۱۴۲.



ت ۵. مناره‌های ایوان  
مقصوره مسجد جامع  
سمرقند.

ت ۶. حضرت محمد  
(ص) و اصحاب.  
مأخذ تصویر:  
Bahari, Bihzad,  
p. 158.

ت ۷. تبدیل شدن  
پیر مرد تهر دست به  
سبک کامل.  
مأخذ تصویر: کوزکیان  
و سبکر، باغ‌های خیال.  
ص ۱۰۳.



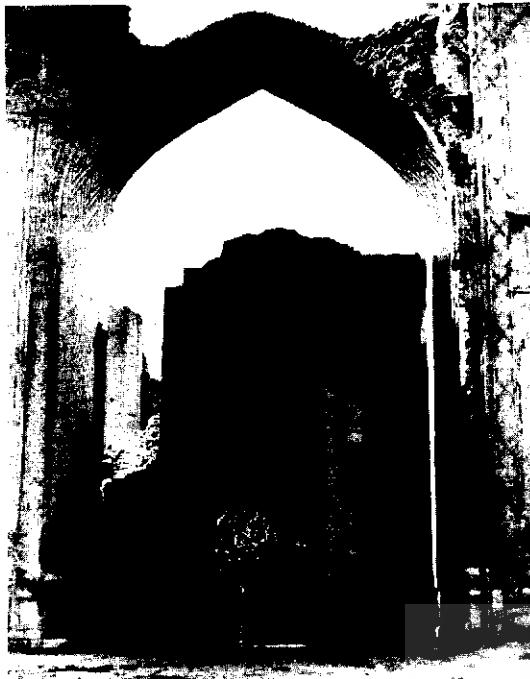
دید به نگاره نظر کتیبه، فضای متصل به ایوان را نه درگاه، بلکه یکی از دهانه‌های پیشین شبستان اطراف صحن مسجد خواهیم دانست. نقشه راشیا نیز این نظر را تأیید می‌کند (ت ۳).

دلیل دوم کتیبه‌ای واقع در بالای پیشانی کاشی است. این کتیبه حاوی آیه نخست سوره فتح، «أنا فتحنا لک فتحاً مبیناً»، است. چنانچه با دقت به کتیبه بالای دهانه‌های شبستان در صفحه سمت راست نگاره بنگریم، آیات دوم و سوم و قسمتی از آیه چهارم همین سوره را می‌بینیم. دلیل سومی که باعث می‌شود این عنصر را دهانه شبستان بدانیم نه درگاه یا سردر، شباهت طاق و ستونهای سنگی و کاشی‌کاری آن با همین عناصر در رواق صفحه سمت راست نگاره است (ت ۱). برخلاف فضاهای دیگر این صفحه، چون ایوان مقصوره و گنبدخانه و محراب، که عاری از زیب و زینت نقش شده است، تزئین دهانه شبستان، و به عبارت دیگر تزئین نماهای صحن مسجد، به کمال انجام پذیرفته است. ستونهای سنگی و کاشی‌کاری معرق و کتیبه عناصر تزئینی این نماهاست (ت ۱).

## ۱-۲. ستونهای سنگی

بهراد در طرفین تک‌دهانه‌ای که در صفحه سمت چپ





ت ۸. سردر مسجد  
جامع سمرقند،  
مأخذ تصویر:  
هیل و گرابار،  
معماری و تزئینات  
اسلامی، ص ۱۳۹.

ت ۹. سردر مسجد  
جامع سمرقند،  
مأخذ تصویر:  
Naumkin,  
Samarcande,  
p. 46.

### ۲-۳. کتیبه

کتیبه پیشانی شبستان را از سه جنبه جنس و محل استقرار و مضمون می‌توان بررسی کرد. شرف‌الدین علی یزدی درباره کتیبه‌های مسجد می‌نویسد:

و گرداگرد دیوارش از طرف بیرون و اندرون و گرد طاقها، به‌کتابه سنگ تراشیده زینت یافته و پرتو انوار حروف و کلمات سوره کهن و دیگر آیات بینات قرآنی بدان تافته ...<sup>۱۳</sup>

اگر بپذیریم که بهزاد در تصویر کردن کتیبه‌های نگاره به نوشته یزدی نظر داشته است، باید بین کتیبه‌های نگاره او و محتوای نوشته‌های یزدی از سه جنبه جنس و محل استقرار و مضمون شباهتی دیده شود. این شباهت را، در صورت وجود، می‌توان از دلایل واقع‌گرایی بهزاد دانست و، در مقابل، ناهمگونی را از دلایل خیال‌پردازی او.

الف) جنس کتیبه‌ها

اگر به سایر نگاره‌های بهزاد توجه کنیم، درمی‌یابیم که بیشتر کتیبه‌های او در کاشی معرق است (ت ۶ و ۷). اما در این نگاره، کتیبه‌ها را بر سنگ تراشیده‌اند (ت ۱). آیا هدف بهزاد از انتخاب سنگ در کتیبه صرفاً تنوع بخشیدن به نگاره بوده؛ یا کوشیده است تا حد ممکن خود را

نگاره آمده، دو ستون نقش کرده است. با رجوع به نوشته‌های یزدی، جنس این ستونها از سنگ است.<sup>۱۳</sup> این ستونها، همانند ستونهای صفحه سمت راست نگاره، پاستون تیره‌رنگ، تنه پیچ و سرستون مقرنس دارد (ت ۱). مشابه این ستونها در طرفین زیارتگاه هرات به کار رفته است.<sup>۱۴</sup>

### ۲-۲. کاشی کاری معرق

سطح طاق کوتاه شبستان را کاشیهای معرق، با نقوش گیاهی و هندسی، پوشانده است. لچکیهای باریک طاق با نقوش گیاهی تزیین یافته است و پیشانی‌اش با نقوش هندسی. نقوش هندسی از ترکیب نقوش چلیپاشکل و دوایر سفیدرنگ ایجاد شده است (ت ۱). نقوش گیاهی به‌کاررفته در این نگاره با نقوش گیاهی اکثر بناهای این عصر شباهت دارد؛ اما نقوش هندسی چنین نیست. در این مورد، فقط می‌توان به بخشی از تزیین مقبره عبدالله بن معاویه در هرات اشاره کرد که ساخت آن هفت سال قبل از مصور کردن این نگاره آغاز شده بود. تزئینات هندسی این بنا از ترکیب لوزیهای متداخل (که به شکل چلیپا در آمده) و ستاره‌های شش‌پر پدید آمده است.<sup>۱۵</sup>



کاشی‌کاری شده استفاده کرده است. نکته جالب اینکه او بین محل قرار گرفتن و طول آیه تناسبی موزون پدید آورده است. اگر اندازه عرض این یک دهانه شبستان را با عرض چهار دهانه رواق نقش شده در صفحه سمت راست نگاره مقایسه کنیم، متوجه یکسانی آنها خواهیم شد.

(ج) مضمون کتیبه‌ها

بهباد، علی‌رغم نوشته یزدی که از «سوره کهف» نام برده، در کتیبه نگاره خود از آیات ۱ تا ۴ «سوره فتح» استفاده کرده است. آیا برای این کار دلیلی داشته است؟ به زعم نویسنده، بهزاد به عمد و از سر هوشمندی چنین کرده؛ زیرا از یک سو، بین علت و انگیزه ساخت مسجد جامع تیمور<sup>۱۸</sup> و آیات کتیبه ارتباطی منطقی برقرار کرده؛ و از دیگر سو، بین

در چارچوب متن ظفرنامه محدود سازد و مطالب آن را به بیننده ارائه کند؟ یافتن پاسخی دقیق برای این سؤال منوط به این است که این کتیبه‌ها را از دو جنبه دیگر، یعنی محل استقرار و مضمون، بررسی کنیم.

(ب) محل استقرار کتیبه‌ها

بنا به نوشته یزدی، کتیبه‌ها را گرداگرد دیوار مسجد، از طرف بیرون و اندرون، و گرد طاقها ساخته بوده‌اند. گویا بهزاد در اینجا هم معیار خود را نوشته یزدی و بنای مسجد جامع تیمور قرار داده؛ زیرا کتیبه‌های نگاره خود را گرداگرد طاقها (صفحه سمت چپ و صفحه سمت راست نگاره) نهاده است. در صفحه سمت چپ نگاره، از آیه «أنا فتحنا لک فتحاً مبیناً»<sup>۱۷</sup> روی پیشانی

نگاره تصویر شده است (ت ۱ و ۲). برخلاف شبستان که به عناصر تزئینی‌ای چون کاشی‌کاری و کتیبه و ستونهای سنگی آراسته است، سردر بی‌هیچ تزئینی به نمایش درآمده است. سبب آن است که هنوز مرحله سفت‌کاری آن به پایان نرسیده است (ت ۱).

شاید اولین سؤالی که به ذهن بیننده آشنا با نقشه مساجد تیموری و ادوار پیشین اسلامی خطوط کند این باشد که چرا بهزاد سردر را در مقابل شبستان ایجاد کرده است، نه روبروی ایوان مقصوره. محققان درباره محل استقرار سردر مسجد جامع تیمور اختلاف نظر دارند. برخی، چون راشیا، معتقدند که سردر درست روبه‌روی ایوان مقصوره قرار داشته است (ت ۳). پژوهشگران دیگری، چون گرابار، اعتقاد دارند که «ایوان ورودی [سردر] جایی غیرعادی در نمای ساختمان اشغال کرده است و طوری در مدخل ساختمان قرار گرفته که شبستان را که در مقابل این ایوان و در همان امتداد در طرف دیگر صحن داخلی قرار گرفته نشان می‌دهد»<sup>۱۹</sup> توجه به این قسمت از نگاره تا حدودی نظر گرابار را تأیید می‌کند. در اینجا نیز، بهزاد سردر را در جایی غیرعادی رسم کرده است؛ به طوری که در امتداد شبستان قرار گرفته و نه ایوان مقصوره. در این مورد باید با احتیاط سخن گفت؛ زیرا تنها در صورتی با قاطعیت می‌توان نظر داد که بتوان اثبات کرد که بهزاد قبل از تصویر کردن این مسجد، آن را از نزدیک دیده است.

بر اساس منابع تاریخی، از جمله ظفرنامه، تیمور به هنگام یورش به هند و ایران کردن آتشکده‌ها و بت‌خانه‌های هندوان، نیت کرد که مسجد آدینه‌ای در سمرقند بسازد.<sup>۲۰</sup> پس از پیروزی، به سمرقند بازگشت و به ساختن مسجد جامع امر کرد. پس عامل ساختن این مسجد پیروزی در جنگ با هندوان بوده است. شاید به همین سبب باشد که بهزاد در کتیبه‌های مسجد نگاره خود، از آیات «سوره فتح» استفاده کرده است.

چنان‌که آمد، بین این آیه و محل استقرار آن



این آیه و محل استقرار آن تناسبی زیبا آفریده است.

### ۳. شبستان

کامل‌ترین قسمت مسجد نقش‌شده نمای شبستان آن است که در انتهای صفحه سمت راست نگاره تصویر شده است. چهار دهانه پیشین شبستان با ستونهای سنگی قسمتی از بدنه صحن و مدخلهای شبستان را نشان می‌دهد (ت ۱). ستونها، همانند دو ستون صفحه سمت چپ نگاره، سنگی است؛ تنه آنها پیچ و سرستونشان مقرنس است. کاشی‌کاری معرق گیاهی و هندسی که در صفحه سمت چپ نگاره وجود دارد، در این قسمت نیز تکرار شده است. بالای پیشانی‌نما، بر رخ‌بام صحن، کتیبه‌ای سنگی ایجاد شده که، در ادامه کتیبه سمت چپ، متضمن آیات دوم و سوم و قسمتی از آیه چهارم «سوره فتح» است: «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطاً مستقیماً و ینصرک الله نصراً عزیزاً هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین...». همان گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، به نظر می‌رسد بهزاد به ارتباط بین فتح هندوستان و ساختن این مسجد به امر تیمور وقوف داشته است. استفاده از آیات «سوره فتح» مؤید این آگاهی اوست.

### ۴. سردر

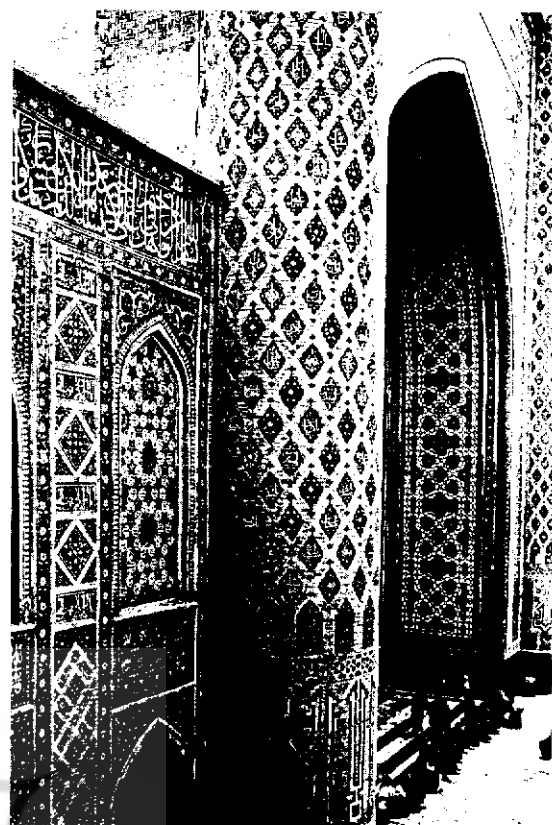
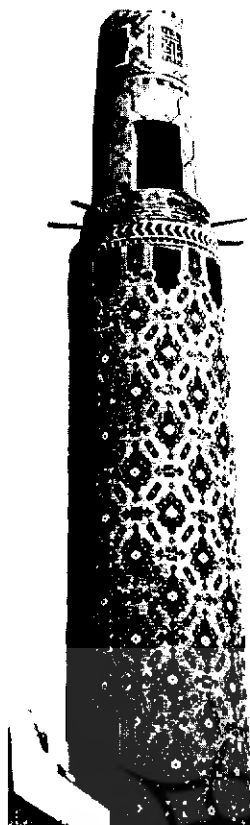
سردر مسجد تقریباً در مرکز صفحه سمت راست

ت ۱۱. مناره مسجد  
گوهرشاد هرات،  
مآخذ تصویر:  
گلمبک و ویلبر،  
معماری تیموری در  
ایران و توران، ص ۸۰۱



ت ۱۲ (راست). مناره  
مسجد گوهرشاد مشهد،  
مأخذ تصویر:  
فصلنامه هنر،  
ش ۳۳-۳۴، ص ۱۴۱.

ت ۱۳ (چپ). مناره  
مقبره غیاث‌الدین  
(معروف به مسجد شاه)  
مشهد. مأخذ تصویر:  
*L'Islam et l'art  
Musulman*،  
p. 402..



قوسهای این نگاره به قوس ایوان ورودی جامع تیمور را تأیید می‌کند (ت ۸).

در قسمت بالای طاق سردر مستطیلی هست که، به ظن قوی، قرار بوده بعد از اتمام سفت‌کاری ساختمان، در درون آن کتیبه‌ای جای دهند. مشابه این قاب مستطیل‌شکل را در قدیمی‌ترین عکس این مسجد می‌توان مشاهده کرد (ت ۹). در نگاره بهزاد، در دو سمت سردر مسجد مناره‌هایی بلندتر از سردر و نیم‌طاق آن نقش شده است (ت ۱ و ۲). مشابه این مناره‌ها را در دو قسمت جرزهای سردر بقایای بنای مسجد می‌توان دید. تنها اختلاف مناره‌های مسجد تیمور با مناره‌های این نگاره در آن است که پایه‌های آنها در ساختمان موجود هشت‌گوش است و در نگاره استوانه‌ای است (ت ۱ و ۲ و ۱۰).

### ۵. دیوارهای خارجی و برج

بهزاد در صفحات چپ و راست نگاره، دیوارها و برجهای مسجد را کشیده است. دیوار صفحه

تناسبی زیبا به وجود آمده است. به عقیده نویسنده، بهزاد در ایجاد این تناسب، به کتیبه‌های عصر خود نیز گوشه چشمی داشته است؛ چرا که آیات «سوره فتح» از آیات مشهوری است که به کرات آن را بر دیوار مساجد و دیگر ابنیه دینی این عصر و اعصار پیش از آن به کار برده‌اند. نمونه آن کتیبه کوفی کاشی مقبره محمد ابوالولید بن احمد در هرات<sup>۳۱</sup> و آیات ابتدایی «سوره فتح» در اطراف ساقه گنبد مقبره شیخ احمد جام در تربت جام است.<sup>۳۲</sup> ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که استفاده از آیات «سوره فتح» به جای «سوره کهف» دلیل چندان قانع‌کننده‌ای بر تخیلی دانستن این نگاره نیست؛ زیرا یزدی در کتاب خود از «کلمات سوره کهف و دیگر آیات بینات قرآنی» یاد کرده است.<sup>۳۳</sup>

بهزاد در ترسیم سردر از قوس جناغی استفاده کرده که در معماری اسلامی کاربرد فراوان داشته است. متأسفانه امروزه بخشهای اصلی این مسجد از بین رفته است؛ اما عکسی که در سال ۱۸۹۰ از این مسجد گرفته شده شباهت بسیار زیاد

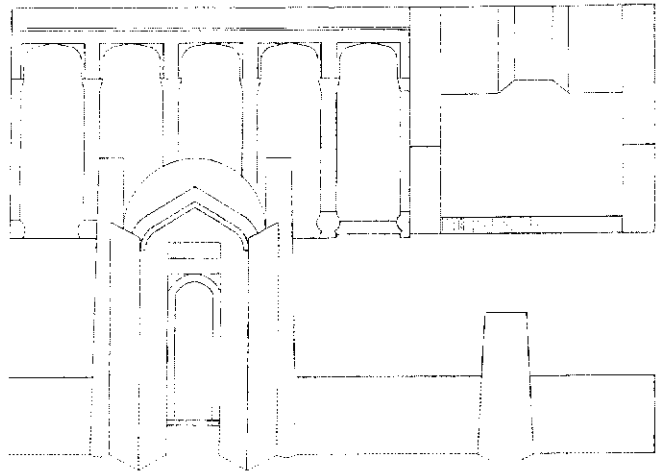
عوامل مخرب دیگر از بین رفته و دست ما در مقایسه آن برجها با برج تصویرشده در نگاره بسته است. اما مشابه این گونه تزئین را می‌توان بر مناره مدرسه گهرشاد هرات (۸۵۳ق)، مناره مسجد گهرشاد مشهد (۸۲۱ق) و مناره مقبره غیاث‌الدین (معروف به مسجد شاه) مشهد (اوایل قرن نهم هجری) مشاهده کرد. تنها تفاوت تزئین این برج با مناره مسجد گهرشاد مشهد این است که در مناره‌های مسجد گهرشاد، علاوه بر نقش اسلیمی، از خط ثلث نیز استفاده شده است (ت ۱۱ و ۱۲ و ۱۳). قسمتی از این دیوار در صفحه سمت راست نگاره نیز قابل مشاهده است. در این صفحه، دیوار از سمت چپ مناره سردر شروع شده و به سمت چپ صفحه نگاره امتداد یافته است (ت ۱ و ۲).

#### ۶. بازسازی مسجد درون نگاره

همان‌گونه که آمد، شیرعلی چند صفحه از نسخه نظرنامه را برای مصور کردن سفید رها کرده بود. از آنجا که بهزاد برای مصور کردن متن با چنین محدودیتی روبه‌رو بوده، هنگام نقش کردن مراحل عملیات ساختمانی مسجد جامع سمرقند، مجموعه یکپارچه مسجد را دو پاره کرده و هر پاره را در یکی از صفحات به نقش در آورده است. نویسنده با توجه به یکپارچگی اولیه مجموعه و با ملاک قرار دادن ترتیب آیات کتیبه و نیز دیوارهای نقش شده، مسجد را به شکل مجموعه‌ای یکپارچه، به دو صورت بازسازی کرده است: بار اول با استناد به کتیبه قرآنی و بار دوم با ملاک قرار دادن دیوارهای خارجی مسجد.

#### ۶-۱. بازسازی مسجد با استناد به کتیبه قرآنی

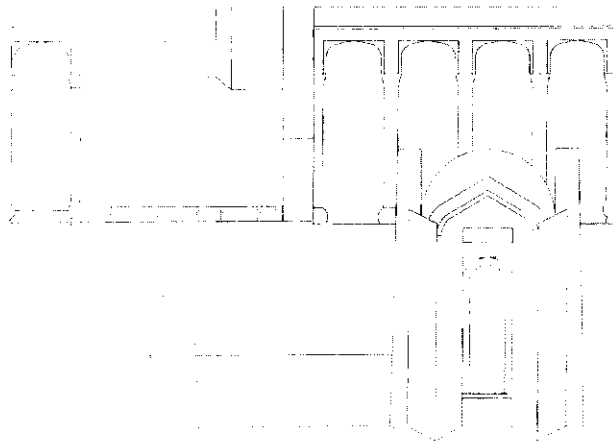
بهزاد به منظور تزئین نوشتاری این مسجد از آیات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ «سوره فتح» استفاده کرده است. آیه ۱ رخ‌بام صحن را در بالای پیشانی تک‌دهانه شبستان در صفحه سمت چپ نگاره تزئین کرده و آیات ۲ و ۳ و ۴ قسمتی از آیه ۴ پیشانی دهانه‌های شبستان در صحن را در صفحه سمت راست



ت ۱۴. طرح بازسازی مسجد با استناد به کتیبه قرآنی آن (از نویسنده).

سمت چپ نگاره از زیر ستون شبستان آغاز می‌شود و به سمت پایین نگاره امتداد می‌یابد و درست در مرکز نگاره، با تغییر زاویه، به سمت راست صفحه کشیده می‌شود. دقیقاً در جایی که دیوار تغییر زاویه می‌دهد، یعنی در محل برخورد دو دیوار با یکدیگر، برجی که بلندتر از دیوارهاست به نقش درآمده است (ت ۱ و ۲). در نقشه راشیا، که حاصل کاوشهای او در این مسجد است، به جز چهار مناره که در دو سمت ایوان مقصوره و سردر قرار دارد، در محل تقاطع دیوارهای خارجی مسجد نیز برجهایی دیده می‌شود (ت ۳).

در مورد یک برجی که در نگاره تصویر شده، با اندکی احتیاط، می‌توان گفت که بهزاد در صدد بوده است یکی از چهار برج مسجد را به تصویر درآورد. متأسفانه گلمبک و ویلبر در تحلیل این نگاره درباره این برج نیز نظری عجیب و دور از واقع مطرح کرده‌اند. آنان این عنصر را نه برج، بلکه لوح کامل شده معرّق می‌دانند که آماده است تا آن را در جای خود بر روی ساختمان نصب کنند.<sup>۱</sup> احتمالاً این اشتباه از آنجا ناشی شده است که این دو اساساً به دیوارهای خارجی بنا بی‌توجه بوده‌اند. در نگاره، بدنه این برج مزین به نقوش کاشی، به شکل ترنجی با زمینه لاجوردی، در متن آجری است. متأسفانه چهار برج مسجد بر اثر زلزله سال ۱۸۹۸ و



ت ۱۵. طرح بازسازی  
مسجد با ملاک  
قراردادن دیوار خارجی  
آن (از نویسنده).

کتیبه‌ها و مضمون آنها سخن می‌گویند.

از سوی دیگر، ویژگی‌های صوری‌ای مثل قطع برگ‌های نسخه و دو صفحه‌ای بودن محل کشیدن نگاره‌ها که شیرعلی به وجود آورده، بهزاد را ناگزیر ساخته است که مسجد یکپارچه سمرقند را در دو پاره تصویر کند. شاید اگر جای مناسبی برای یکپارچه نقش کردن مسجد در اختیار بهزاد قرار می‌گرفت، ترکیب مسجد بسیار بهتر و واقعی‌تر تصویر می‌شد.

#### ۲. تأثیر بناهای واقعی در مسیر آفرینش نگاره مسجد

به سبب فاصله زمانی ۸۴ ساله بین زمان ساخت جامع سمرقند و زمان مصور کردن این نگاره، با قاطعیت نمی‌توان گفت که در نگاره دقیقاً همان مسجد تصویر شده است یا نه؛ هرچند که برخی از عناصر ساختاری و ویژگی‌های منحصر به فرد آن مسجد را، مانند در امتداد شبستان قرار گرفتن سردر، در طرح‌های بازسازی شده بنای منقوش می‌توان مشاهده کرد. اما به یقین می‌توان گفت که همه عناصر ساختاری و تزئینی این مسجد در بناهای واقعی دوره تیموری، به‌ویژه در بناهای شهر هرات زمانه بهزاد، نظیرهایی دارد. برای نمونه، می‌توان به ازاره‌های سنگی، قوس‌های جناغی، ستون‌های سنگی شبستان، کاشی‌کاری معرق، محل و مضمون کتیبه‌ها و تزئینات برج خارجی بنا اشاره

آراسته است. حال اگر با توجه به ترتیب آیات قرآنی و مشابهت تک‌دهانه صفحه سمت چپ با شبستان صفحه سمت راست نگاره، آن تک‌دهانه را قسمتی از شبستان بدانیم، بازسازی مسجد به شکل تصویر ۱۴ انجام می‌گیرد.

#### ۶-۲. بازسازی مسجد با ملاک قراردادن دیوار خارجی

برای بازسازی مسجد، می‌توان از دیوار نقش شده در نگاره نیز استفاده کرد. اگر فرض کنیم که از نظر بهزاد دیوار صفحه سمت راست نگاره با دیوار سمت چپ نگاره مرتبط و متصل بوده است، بازسازی به شکل تصویر ۱۵ در خواهد آمد. باید این نکته را نیز ذکر کرد که در بازسازی دوم، دهانه صفحه سمت چپ نگاره، دیگر بخشی از شبستان منقوش در صفحه سمت راست محسوب نمی‌شود (ت ۱۵).

#### نتیجه

در این نوشتار کوشیدیم ویژگی‌های معماری مسجد درون نگاره ساختن مسجد جامع سمرقند را از سه جنبه دخالت متن *ظفرنامه*، تأثیر بنای موجود مسجد سمرقند یا بناهای اطراف بهزاد و استفاده از قوه تخیل او تحلیل شود. نتایج ذیل حاصل این کوشش است:

#### ۱. دخالت محتوا و ساختار نسخه *ظفرنامه*

بهزاد در خلق مسجد این نگاره با دو نوع محدودیت روبه‌رو بوده است: یکی محدودیتی که از متن *ظفرنامه* ناشی شده؛ دیگری محدودیتی که ویژگی‌های صوری (ظاهری) این نسخه بر بهزاد تحمیل کرده است. محتوای *ظفرنامه* - آنجا که یزدی از ساختن مسجد سمرقند می‌نویسد - بسیار کلی و مملو از حشو و زوائد قلمی است، به طوری که از سه صفحه *ظفرنامه* که به این رویداد اختصاص یافته، تنها چند سطر با ویژگی‌های معماری مسجد ارتباط دارد، که تازه آنها هم بسیار کلی است؛ از جمله، آنجا که یزدی از موطن سنگ‌تراشان، جنس ستون‌های شبستان، محل

\*نوری شادمهانی، رضا. «تجزیه و تحلیل نقش بناها در نگارگری اعصار تیموری و صفوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، چاپ‌نشده.

- Bahari, E. Bihzad, *Master of Persian Painting*, London and New York, I. B. TAURIS Publishers, 1997
- Naumkin, V. *Juste atemps: Les grandes archives photographie samarcande*, Edition Frencaise pour le mond Arabe, 1992.
- Papado Polo, A, *L' Islam Et L' art Musulman*, Paris, Mazenod, 1976.

### پی‌نوشتها

- ۱ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲ با رجوع به این نگاره و نگاره ساختن کاخ خورنق، کمبود رسانه‌های تشریحی درباره معماری دوره اسلامی اندکی جبران می‌شود و بر اساس آنها، می‌توان به برخی پرسشها در این باره پاسخ گفت. برای آگاهی بیشتر، نک: نوری شادمهانی: «تجزیه و تحلیل نقش بناها در نگارگری اعصار تیموری و صفوی»، ص ۱۸-۲۴.
- ۳ شرف‌الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۶.
- ۴ گل‌میک و ویلبر، *معماری تیموری در ایران و توران*، ص ۳۴۵.
- ۵ Bahari, Bihzad, *Master of Persian Painting*, p. 68.
- ۶ ibid.
- ۷ یزدی، همان، ص ۱۴۴.
- ۸ گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۱۴۴.
- ۹ اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ص ۱۰۳.
- ۱۰ خواندمیر، *فصلی از خلاصه الاخبار فی احوال الاخبار*، ص ۱۰.
- ۱۱ گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۱۸۷.
- ۱۲ همان، ص ۱۳۶.
- ۱۳ یزدی، همان، ص ۱۴۵.
- ۱۴ گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۱۸۷.
- ۱۵ برای تصویری از این تزئینات نک: گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۸۱۹.
- ۱۶ یزدی، همان، ص ۱۴۴.
- ۱۷ فتح (۴۸): ۱.
- ۱۸ یزدی، همان، ص ۱۴۴.
- ۱۹ هیل و گرابار، *معماری و تزئینات اسلامی*، ص ۶۸.
- ۲۰ همان، ص ۱۴۴.
- ۲۱ برای تصویری از این کتیبه نک: گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۸۲۶.
- ۲۲ همان، ص ۴۸۹.
- ۲۳ یزدی، همان، ص ۱۴۶.
- ۲۴ گل‌میک و ویلبر، همان، ص ۱۳۶.

کرد. به کار رفتن اغلب این عناصر در بناهای واقعی شهر هرات مؤید این است که بهزاد از ویژگیهای بناهای اطراف خود در خلق نگاره استفاده و کمبود مطالب سودمند در متن نسخه را جبران کرده است.

از آنجا که در خلق مسجد این نگاره از میان سه عامل مهم پیش‌گفته، از قوه تخیل کمترین بهره گرفته شده و، در مقابل، بناهای پیرامون بهزاد بیشترین تأثیر را در آن داشته است، می‌توان با تعمیم واقع‌گرایی بهزاد به کل نگاره، آن را چونان مدرک معتبری دانست که موضوعاتی را از قبیل چگونگی عمل استادان معمار و تزئین‌کار، تقدّم مرحله سفت‌کاری ساختمان بر مرحله تزئین آن یا هم‌زمان بودن آنها؛ برخی ابزارها و آلات بنایی؛ تخصصها و مراتب شغلی افرادی را که در امر احداث بنا و تزئین آن مشارکت داشته‌اند کاملاً روشن می‌کند. □

### منابع و مراجع

- خواندمیر، *فصلی از خلاصه الاخبار فی احوال الاخبار*، تصحیح سرورگویا، کابل، مطبوعه عمومی کابل، ۱۳۲۴ق.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی. *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح و تحشیه و تعلیق سیدمحمدکاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- یزدی، شرف‌الدین علی. *ظفرنامه*، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ج ۲، ج ۲.
- کورکیان، ماری و پیر سیکر. *باغ‌های خیال، هفت قرن مینیاتور ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فروزان، ۱۳۷۵.
- گرابار، الگ و درک هیل. *معماری و تزئینات اسلامی*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- گل‌میک، لیزا و دونالد ویلبر. *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.